

نقش الگو در تربیت اخلاقی از منظر قرآن کریم

دادمحمد امیری^۱

چکیده:

الگوها و اسوه‌های اخلاقی نقش عظیمی در سازندگی انسان ایفا می‌کنند؛ به طوری که یکی از کارآمدترین روش‌های تربیت اخلاقی، روش استفاده از الگوها و معرفی الگوهای پسندیده است. این روش در سرتاسر زندگی و ابعاد مختلف آن کاربرد دارد و از آن جا که محتوای تربیت را به صورت عینی و عملی ارائه می‌دهد، در انتقال ارزش‌های اخلاقی و همچنین مفاهیم و آموزش برنامه‌های تربیتی، بسیار مؤثر است. قرآن کریم عنایت ویژه‌ای نسبت به معرفی الگوها نشان داده است؛ به طوری که بعد از دستور به فضائل و کمالات معنوی، به بیان اسوه و نمونه پرداخته و در بسیاری از موارد در معرفی هر یک از صفات بارز اخلاقی، آن صفت را به همراه مصداق انسانی آن بیان کرده است. بر همین اساس، نگارنده پس از بیان مقدمه و توضیح مفاهیم بحث، مهم‌ترین الگوهای اخلاقی و نقش تربیتی آن‌ها را بررسی نموده است.

کلیدواژه‌ها:

تربیت اخلاقی، الگو، اسوه.

مقدمه

نقش الگو در هر یک از علوم و فنون و کمالات انسانی این است که جوینده آن می‌فهمد، همچنان که رسیدن به هدفی خاص برای دیگری میسر شده است، برای من نیز

۱. کارشناسی ارشد رشته تفسیر و علوم قرآن dma1359@gmail.com

ممکن است و او را از تردید و سرگردانی در انتخاب مناسب‌ترین و نزدیک‌ترین راه نجات می‌دهد و موانع و پیچ‌وخم‌های دشوار و امور موفقیت‌الگو و مجموعه تجربه‌های راه‌گشای او را در اختیار گرفته و در پیش روی خود قرار می‌دهد؛ بنابراین هر کس در هر رشته و فنی که به دنبال آن است اگر بخواهد در آن زمینه خاص رشد کرده و مقام‌هایی کسب نماید، انتخاب الگو در آن رشته برای او امری اجتناب‌ناپذیر و ضروری است.

در تربیت اخلاقی نیز وقتی متربی رفتارهای پسندیده و فضایل اخلاقی را در عمل و با همه جزئیات و ظرافت‌هایی که در اجرای آن وجود دارد، مشاهده می‌کند نه تنها با خود رفتار اخلاقی بلکه با شرایط تحقق آن و تأثیراتی که بر دیگران بر جای می‌گذارد و با جایگاه آن در مقایسه با سایر رفتارها پی می‌برد؛ ثانیاً مشاهده عمل اخلاقی صادر شده از الگو امکان عملی شدن آن را به صورت عینی برای متربی اثبات می‌کند و این از آن جهت اهمیت دارد که ممکن است در ابتدا انجام برخی رفتارهای اخلاقی غیر ممکن و محال به نظر آید؛ ثالثاً مشاهده رفتارهای اخلاقی الگو و زیبایی‌های آن در متربی گرایش و انگیزه اقدام به رفتارهای اخلاقی ایجاد و تقویت می‌کند.^۲

الگوها و اسوه‌های اخلاقی انسان را از رفتن به سوی الگوهای بد بازمی‌دارد و نقش عظیمی در سازندگی وی ایفا می‌کنند. هنگامی که یک الگوی خوب و پسندیده برای متربی ارائه شود، خود عامل بازدارنده‌ای از کشش به سوی الگوهای ناپسند می‌شود. انسان فطرتاً کمال طلب است. این ویژگی آدمی را از درون به حرکت وامی‌دارد تا او را به کسانی که مظهر کمالات هستند نزدیک کند. به همین علت، به سوی اعمال و صفات آنان جذب می‌شود. این جذب و انجذاب، در برابر افرادی که انسان نسبت به آن‌ها ایمان کامل دارد، بسیار نیرومندتر و جذاب‌تر است.

مفهوم‌شناسی

تربیت

واژه تربیت مصدر باب تفعیل است؛ از بررسی این واژه در کتاب‌های لغت به دست می‌آید که این واژه با سه ریشه رَبَّو (ناقص)، رَبَّبَ (مضاعف) و رَبَّأ (مهموز) در ارتباط است؛ بنابراین برای فهم بهتر این واژه لازم است معنای هر سه ریشه را بدانیم.

۲. ر.ک: محمد داودی سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت (تربیت اخلاقی)، ج ۳، چ ۲، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸، ص ۱۴۲.

۱. ریشه ربو یا ربی (ناقص واوی یا یایی) در معانی رشد، نمو، افزایش یافتن،^۳ پرورش یافتن^۴ به کار رفته است؛

۲. ریشه ربب (مضاعف) در معانی مالک و صاحب اختیار، اصلاح، سرپرستی و رهبری کردن،^۵ مربی، مدبر، منعم،^۶ رشد و نمو^۷ به کار رفته است.

۳. ریشه ربأ (مهموز) در معانی اشراف داشتن، مکان مرتفع، محافظت و مراقبت،^۸ اصلاح^۹ و همچنین رشد و نمو^{۱۰} به کار رفته است؛ مربأ که از همین ریشه گرفته شده به معنای مکان بلند و مرتفع است^{۱۱} و همچنین ربیئه به کسی می‌گویند که در مکان مرتفعی نگهداری می‌کند؛^{۱۲} احمد ابن فارس در معجم مقاییس اللغة رشد و نمو نیز از معانی این ریشه می‌داند.^{۱۳}

در اینکه واژه تربیت از کدام ریشه مشتق شده و کدام یک از این سه ریشه اصلی و کدام فرعی است، دیدگاه واژه شناسان متفاوت است و نوعی احتمال و عدم قطعیت در کلمات واژه شناسان به چشم می‌خورد و رسیدن به یک نتیجه قطعی، بررسی و تحقیق بیشتری را

۳. خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۸، چ ۲، قم: هجرت، ۱۴۱۰ ق. ص ۲۸۳؛ محمد بن احمد ازهری، تهذیب اللغة، ج ۱۵، چ ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا، ص ۱۹۵؛ اسماعیل بن عباد صاحب بن عباد، المحيط فی اللغة، ج ۱۰، چ ۱، بیروت: عالم الکتب ص ۲۷۵؛ اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح، ج ۲، چ ۱، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۴۱۰ ق، ص ۲۳۴۹؛ احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، ج ۲، چ ۱، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ ق ص ۴۸۳؛ حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، چ ۱، بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲ ق. ص ۳۴۰؛ محمود بن عمر زمخشری، أساس البلاغة، چ ۱، بیروت: دار صادر، بی‌تا، ص ۲۱۹؛ محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۴، چ ۳، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ ق. ص ۳۰۴.

۴. علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۸، چ ۲، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، ص ۱۱۹۰۲ و ۱۱۹۰۷.
۵. محمد بن احمد ازهری، پیشین، ص ۱۲۸؛ اسماعیل بن عباد صاحب بن عباد، پیشین، ص ۲۱۲؛ اسماعیل بن حماد جوهری، پیشین، ج ۱، ص ۱۳۰؛ احمد بن فارس بن زکریا ابو الحسین، پیشین، ص ۳۸۱. علی اکبر دهخدا، پیشین، ص ۱۱۸۹۳.

۶. محمد بن مکرم ابن منظور، پیشین، ج ۱، ص ۳۹۹.
۷. محمد بن محمد مرتضی زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۲، چ ۱، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۴۱۰ ق، ص ۶.

۸. خلیل بن احمد فراهیدی، پیشین، ص ۲۸۸؛ محمد بن احمد ازهری، پیشین، ص ۱۹۷؛ اسماعیل بن عباد صاحب بن عباد، پیشین، ص ۲۷۷؛ اسماعیل بن حماد جوهری، پیشین ج ۲، چ ۱، ص ۲؛ احمد بن فارس بن زکریا ابو الحسین، پیشین، ج ۲، ص ۴۸۴؛ محمود بن عمر زمخشری، پیشین، ص ۲۱۹؛ محمد بن مکرم ابن منظور، پیشین، ج ۱، چ ۳، ص ۸۲.

۹. محمد بن یعقوب فیروزآبادی، القاموس المحيط، ج ۱، چ ۱، بیروت: دار الکتب العلمیه بی‌تا، ص ۱۷.
۱۰. احمد بن فارس بن زکریا، پیشین، ص ۴۸۳، محمد بن محمد مرتضی زبیدی، پیشین، ج ۱، ص ۱۵۸.
۱۱. و أما المهموز: فالمرأ و المرأة من الأرض و هو المكان العالی یقف علیه عین القوم. (حسن مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۴، چ ۳، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۳۰ ق، ص ۳۴).

۱۲. الرَبِیْةُ و هو عَینُ القَوْمِ الذِینَ یَرِیْاً لَهُمْ فَوْقَ مَرَبَآةٍ مِنَ الْأَرْضِ (محمد بن احمد ازهری، پیشین، ج ۱۵، ص ۱۹۷)
۱۳. الرء و الباء و الحرف المعتل و كذلك المهموز منه يدل على أصل واحد و هو الزیادة و النماء (احمد بن فارس بن زکریا، همان).



می‌طلبد؛ اما آنچه از همین مقدار بررسی به دست می‌آید این است که معانی، «رشد»، «نمو»، «افزودن» و «پروراندن» تقریباً وجه مشترک بین این سه ریشه است که ارتباط مستقیم با تعریف اصطلاحی تربیت دارد.

متفکران و دانشمندان برای تربیت، تعریف‌های متعددی ارائه نمودند و هرکس از زاویه‌ای به آن نگریده و تعریفی خاص از آن ارائه داده است؛ اما با نوجه این پژوهش می‌توان تربیت را چنین تعریف کرد:

«تربیت فعالیتی هدفمند و فرایندی منظم و مستمر، به منظور فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل به فعلیت رساندن استعدادهای فطری انسان در جهت رشد و تکامل اختیاری او در جنبه‌های گوناگون فردی، اجتماعی، عقلانی، جسمی، سیاسی، عاطفی، اخلاقی و... است.»^{۱۴}

اخلاق

اخلاق جمع خُلُق به معنی سجایا و صفات درونی است که با حواس ظاهری قابل مشاهده نیست؛ در مقابل، واژه خَلْق به معنی هیئت و شکل و صورتی است که انسان با چشم می‌بیند.^{۱۵}

معادل واژه خُلُق و خَلْق در زبان فارسی سیرت و صورت است، سیرت به ویژگی‌های باطنی و معنوی انسان مانند مهربانی، نرم‌خویی و شجاعت گفته می‌شود که با حواس ظاهری دریافتنی نیستند، در مقابل صورت به ویژگی‌های ظاهری انسان مانند رنگ پوست، مو، بلندی و کوتاهی قد، چاقی و لاغری و زشتی و زیبایی گفته می‌شود؛ بنابراین اخلاق صفات‌ها و ویژگی‌های باطنی و معنوی انسان است.^{۱۶}

با توجه به معنای لغوی اخلاق و معنای اصطلاحی که علمای اخلاق ارائه داده‌اند^{۱۷} می‌توان گفت: اخلاق علمی است که صفات خوب و بد و ریشه‌ها و آثار آن و همچنین شیوه

۱۴. دادمحمد امیری، روش‌های تربیت اخلاقی از منظر قرآن کریم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، جامعه‌المصطفی العالمیه (مجمع آموزش عالی مشهد مقدس) ص ۱۸.

۱۵. الخَلْقُ وَ الخُلُقُ فی الأصل واحد...، لكن خَصَّ الخَلْقُ بالهیئات و الأشکال و الصُّور المدركة بالبصر و خَصَّ الخُلُقُ بالقوی و السجایا المدركة بالبصيرة؛ (حسین بن محمد راغب اصفهانی، پیشین، ص ۲۹۷).

۱۶. رک: محمد داودی، اخلاق اسلامی (مبانی و مفاهیم)، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۹۰. ص ۲۲.

۱۷. محمد بن محمد نصیرالدین طوسی، اخلاق ناصری، ج ۱، تهران: علمیه اسلامی، بی‌تا، ص ۱۴؛ احمد بن محمد ابن‌مسکویه، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، ج ۱، تصحیح عماد هلالی، قم: طلیعة‌النور، ۱۴۲۶ ق، ص ۸۱، احمد بن محمد مهدی نراقی، معراج السعادة، ج ۴، بیروت: اعلمی، بی‌تا، ص ۳۴.

تحصیل صفتهای نفسانی خوب (فضایل) و شیوه دوری و اصلاح صفتهای نفسانی بد (رذایل) را بیان می‌کند.

تربیت اخلاقی

تربیت اخلاقی اصطلاحی مرکب از تربیت و اخلاق است که با دو علم اخلاق و تربیت ارتباط دارد به همین جهت ابتدا واژه تربیت و اخلاق را در لغت و اصطلاح بررسی کردیم تا زمینه برای ارائه تعریفی مناسب برای تربیت اخلاقی فراهم گردد.

با نگاهی به آثار اخلاقی و تربیتی پژوهشگران و دانشمندان مسلمان درمی‌یابیم که اصطلاح تربیت اخلاقی مفهومی نسبتاً تازه است، چرا که تربیت اخلاقی در آثار مسلمانان بخشی از علم اخلاق بوده و در ضمن آن مطرح می‌شده است. به همین جهت تربیت اخلاقی به عنوان رشته مستقل مفهومی تازه است و تا چند سال پیش، این اصطلاح در منابع کاربرد نداشت؛^{۱۸} لذا تعریف‌های ارائه شده برای تربیت اخلاقی نیز در آثار اندیشمندان مسلمان دامنه وسیعی ندارد. در ادامه به چند نمونه از آن اشاره می‌کنیم:

۱. «تربیت اخلاقی اسلامی عبارت است از پرورش کودک براساس اصول اخلاقی از راه ایجاد احساس بصیرت اخلاقی به گونه‌ای که پذیرای خوبی‌ها و طرد کننده بدی‌ها باشد».^{۱۹}
۲. «تربیت اخلاقی مجموعه‌ای از اصول و فضایل رفتاری و وجدانی است که باید طفل آن‌ها را بپذیرد و کسب کند و به آن‌ها عادت نماید».^{۲۰}
۳. «تربیت اخلاقی، آموزش اصول و ارزش‌های اخلاقی و پرورش گرایش‌ها و فضیلت‌های اخلاقی است».^{۲۱}

۴. «تعلیم و تربیت اخلاقی و ارزشی، به آنچه که مدارس و دیگر نهادهای آموزشی برای کمک به افراد جهت تفکر پیرامون مسائل مربوط به درست و نادرست امور و در پی آن تمایل به سمت خوب بودن اجتماعی و نیز کمک به آن‌ها جهت رفتار به روش و منش اخلاقی و ارزشی انجام می‌دهند، اطلاق می‌شود».^{۲۲}



۱۸. ر.ک: محمد داودی، پیشین، ص ۹.

۱۹. یالجن، مقداد، جوانب التربية الإسلامية الأساسية، ص ۲۹۶ و ۳۰۹؛ به نقل از: محمد داودی، پیشین، ص ۱۰.

۲۰. علوان، عبدالله ناصح (بی‌تا)، تربية الاولاد فی الاسلام، ج ۱، ص ۱۶۷؛ به نقل از: محمد داودی، پیشین، ص ۱۰.

۲۱. همان، ص ۱۰ و ۱۱.

۲۲. سید مهدی صانعی، پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی، مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۵، ص ۱۵.

۵. «تربیت اخلاقی فرآیند زمینه‌سازی و به کارگیری شیوه‌هایی جهت شکوفاسازی، تقویت و ایجاد صفات، رفتارها و آداب اخلاقی و اصلاح و از بین بردن صفات، رفتارها و آداب ضد اخلاقی در خود یا دیگری است».^{۲۳}

۶. «تربیت اخلاقی عبارت از ایجاد شناخت و برانگیختن احساس، جهت تضعیف و انهدام صفات منفی و مراقبت و پرورش هماهنگ صفات مثبت تا این صفات ملکه انسان گردد».^{۲۴}

۷. «تربیت اخلاقی عبارت است از فراگیری و شناختن و شناساندن فضایل و رذایل و ایجاد زمینه برای روی آوردن به فضایل و به کار بستن سازوکارها و شیوه‌های ایجاد و تثبیت فضایل و نیز زایل ساختن رذایل به منظور دستیابی به سعادت و کمال جاودانه».^{۲۵}

۸. «مراد از تربیت اخلاقی، چگونگی به کارگیری و پرورش استعدادها و قوای درونی، برای توسعه و تثبیت صفات و رفتارهای پسندیده اخلاقی و نیل به فضائل عالی اخلاقی و دوری از رذیلت‌ها و نابود کردن آن‌ها است».^{۲۶}

با بررسی تعاریف مذکور می‌توان گفت که تعریف اول و دوم تعریفی جامع نیست و در آن فقط طبقه خاص؛ یعنی کودکان در نظر گرفته شده است. تعریف سوم و چهارم نیز بیشتر به جنبه آموزش تأکید دارد در حالی که تربیت اخلاقی فقط آموزش نیست، در تربیت اخلاقی، هدف رشد دادن و شکوفایی قابلیت‌ها و توانایی‌های بالقوه انسان در جهت ایجاد و پرورش فضایل اخلاقی و اصلاح رذایل اخلاقی است، به خلاف آموزش که هدف اصلی آن انتقال معلومات است.^{۲۷} همچنین در تعلیم و آموزش بیشتر با یک بعد از ابعاد وجودی انسان؛ یعنی بعد شناختی و عقلانی او سر و کار داریم؛ اما در تربیت اخلاقی، بیشتر با دل و قلب و روان او سروکار داریم؛ بنابراین تعریف تربیت اخلاقی به آموزش و تعلیم تعریفی جامع نیست؛ بلکه این‌گونه تعریف‌ها اشاره به بخشی از تربیت اخلاقی دارد؛ اما در چهار تعریف آخر، می‌توان گفت مؤلفه‌های تربیت اخلاقی در آن‌ها رعایت شده است؛ بنابراین تربیت اخلاقی را می‌توان چنین تعریف کرد:

۲۳. علی همت‌بناری، مآخذشناسی تربیت اخلاقی، چ ۱، قم: پژوهشکده تعلیم و تربیت، ۱۳۸۲، ص ۹.
۲۴. افضل السادات حسینی دهشیری، نگرشی به تربیت اخلاقی از دیدگاه اسلام با تأکید بر دوره نوجوانی، چ ۱، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰، ص ۶۹.
۲۵. محمد بهشتی، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، چ ۵، چ ۱، تهران: سمت و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷، ص ۱۱۷.
۲۶. احمد دیلمی و مسعود آذربایجانی، اخلاق اسلامی، چ ۲، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۰، ص ۱۷ و ۱۸.
۲۷. محمدعلی حاجی ده‌آبادی، درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، چ ۱، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۷۷، ص ۱۵.

تربیت اخلاقی فرآیندی زمینه‌ساز و هدفمند در جهت به کارگیری شیوه‌هایی برای رشد و شکوفاسازی قوای درونی، تقویت و ایجاد صفات، رفتارها و آداب اخلاقی و اصلاح و از بین بردن صفات و رفتارهای ناپسند است.

الگو در لغت

الگو در لغت به معنای «مدل، سرمشق، مُقْتَدی، اُسوه، قُدوه، مثال و نمونه» آمده است^{۲۸} واژه الگو معادل و مترادف «اُسوه» در عربی است، از این‌رو، برای بررسی مفهوم الگو در متون دینی، باید از واژه اسوه بهره جست. اسوه در لغت به معنای اقتدا کردن به کسی،^{۲۹} سرمشق، پیشوا،^{۳۰} پیشوا در مهمات، خصلتی که شخص بدان لایق مقتدایی شود،^{۳۱} آنچه بدان شخص اندوهگین تسلی یابد،^{۳۲} معالجه و مداوا،^{۳۳} حالت و روشی که شایسته پیروی است^{۳۴} و حالت پیروی انسان از دیگران آمده است؛ خواه پیروی، نیک و سودمند یا بد و زیان‌بار باشد.^{۳۵}

الگو در اصطلاح

معنای اصطلاحی الگو در تعلیم و تربیت، روان‌شناسی اجتماعی و علوم اجتماعی بسیار به هم نزدیک است به عنوان مثال الگو در تعلیم و تربیت، به طرح و نمونه یا مدلی از شکل یا موردی از رفتار اطلاق می‌شود.^{۳۶} در مورد انسان نیز، الگو به شخصیتی گفته می‌شود که به دلیل دارا بودن برخی خصوصیات، شایسته تقلید و پیروی است. در روان‌شناسی اجتماعی، الگو و مدل به کسی گفته می‌شود که رفتارش توسط کودک تقلید شود.^{۳۷} در علوم اجتماعی، الگو آن چیزی است که شکل گرفته و در یک گروه اجتماعی به این منظور که به عنوان مدل یا راهنمای عمل در رفتارهای اجتماعی به کار آید حضور می‌یابد و افراد به هنگام عمل



۲۸. علی‌اکبر دهخدا، پیشین، ج ۳، ص ۳۲۴۸.
۲۹. خلیل بن احمد فراهیدی، پیشین، ج ۷، ص ۳۳۳.
۳۰. محمد بن مکرم ابن منظور، پیشین، ج ۱۴، ص ۳۵؛ احمد بن محمد فیومی، پیشین، ج ۲، ص ۱۵.
۳۱. علی‌اکبر دهخدا، پیشین، ج ۲، ص ۲۱۹۶.
۳۲. اسماعیل بن حماد جوهری، پیشین، ج ۶، ص ۲۲۶۸؛ محمد بن یعقوب فیروزآبادی، پیشین، ج ۴، ص ۳۱۹.
۳۳. خلیل بن احمد فراهیدی، همان.
۳۴. حسن مصطفوی، پیشین، ج ۱، ص ۹۱.
۳۵. حسین بن محمد راغب اصفهانی، پیشین، ص ۷۶.
۳۶. سید داود حسینی‌نسب و علی‌اصغر اقدم، فرهنگ واژه‌ها، تعاریف و اصطلاحات تعلیم و تربیت، تبریز: احوار، ۱۳۷۵، ص ۶۳۲.
۳۷. ر.ک: باقر ساروخانی، دائرةالمعارف علوم اجتماعی، تهران: کیهان، ۱۳۷۵، ص ۵۰۴.

به طور طبیعی با این الگوها سروکار دارند و اعمال آن‌ها با این الگوها تطابق می‌یابد.^{۳۸} همان‌گونه که مشاهده می‌شود، معنای اصطلاحی الگو در این سه علم بسیار به هم نزدیک است.^{۳۹}

اسوه در منابع اسلامی دست کم به سه معنای مقتدا، پیروی کردن و اقتدا نمودن و سنت و روش آمده است. معادل فارسی آن، الگو و سرمشق از وسعت معنایی بیش‌تری برخوردار است؛ زیرا «اسوه» و «قدوه» عمدتاً ناظر به الگوهای انسانی است و بیش‌تر در مورد تربیت و تقویت ابعاد اخلاقی، رفتاری و شناختی انسان به کار می‌رود. در حالی که واژه «الگو»، علاوه بر این‌ها، به معنی طرح، مدل، نمونه و غیره نیز آمده است که عمدتاً در مسائل آموزشی و یادگیری کاربرد دارد.^{۴۰}

در این روش، مربی می‌کوشد نمونه رفتار و کردار مطلوب را عملاً در معرض دید متری قرار دهد تا شرایط لازم برای الگوبرداری و تقلید برای وی فراهم آید؛ بنابراین در روش تربیتی ارائه الگو، فرآیند ایجاد و افزایش رفتارهای اخلاقی به وسیله ارائه نمونه‌های عینی و قابل انطباق صورت می‌گیرد که در این صورت تربیت اخلاقی، آسان‌تر و مؤثرتر خواهد بود، زیرا فرد تربیت شونده به جای آن‌که به صورت ذهنی رفتار مناسب را فراگیرد، با مشاهده موقعیت‌های واقعی و همانندسازی خود با الگو، قادر خواهد بود که در موقعیت‌های مختلف به صورت مطلوب عمل نماید و در رسیدن به کمال، توفیق بیش‌تری بیابد.

الگو در اصطلاح روان‌شناسی

در روان‌شناسی، اصطلاحات مدل‌سازی، یادگیری مشاهده‌ای و یادگیری اجتماعی (Learning Observation، Modeling) و (Learning Social) تا حدود زیادی با روش تربیتی الگو مناسبت دارد.^{۴۱} مشاهده و الگو نقش مهمی در یادگیری دارد به طوری که نظریه یادگیری اجتماعی^{۴۲} بر مشاهده، تقلید و الگوبرداری از رفتارهای مشاهده شده در دیگران، مبتنی است. بر مبنای این نظریه، شخص می‌تواند با مشاهده دیگران، چه

۳۸. آلن بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، چ ۳، تهران: کیهان، ۱۳۷۵، ص ۲۶۰ و ۲۶۱.

۳۹. محمدرضا قائمی مقدم، «روش الگویی در تربیت اسلامی»، معرفت، ش ۶۹، شهریور ۱۳۸۲، ص ۲۶.

۴۰. همان.

۴۱. رک: هادی حسین‌خانی، تربیت الگویی زنان در قرآن، چ ۱، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما، ۱۳۸۲، ص ۱۰.

۴۲. بنیان‌گذار این نظریه آلبرت بندورا (Albert Bandura) روانشناس کانادایی است. بر اساس این نظریه یادگیری از راه مشاهده، تقلید و الگوبرداری انجام می‌شود. (علی‌اکبر سیف، روانشناسی پرورشی نوین، چ ۱۱، ویرایش ۶، تهران: دوران، ۱۳۹۰، ص ۱۶۶).

به‌طور تصادفی و چه آگاهانه، یاد بگیرد. انتخاب مدل نیز تحت تأثیر عوامل گوناگون از جمله سن، جنس، موقعیت و جنبه‌های مشترک است.^{۴۳}

واژه اسوه

در قرآن کریم، در سه مورد واژه اسوه به کار رفته است^{۴۴} که به همان معنای اقتدا و پیروی کردن است. علامه طباطبائی در تفسیر آیه لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...^{۴۵} می‌فرماید: «أُسْوَةٌ؛ یعنی قدوه که عبارت است از اقتداء و پیروی کردن و اسوه بودن رسول خدا ﷺ؛ یعنی پیروی و تبعیت کردن او و از این که با «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ» که ماضی استمراری است تعبیر کرده، برای این است که اشاره کند به اینکه این وظیفه همیشه ثابت است»^{۴۶}.

زمخشری در تفسیر کشاف، درباره معنای اسوه می‌گوید: «دو توجیه و احتمال دارد: یکی این که خود رسول خدا (فی نفسه اسوه نیکو و سرمشق است و دیگری این که در وجود رسول خدا ﷺ خصلتی هست که جا دارد مردم به آن حضرت، در آن صفت اقتدا و از او پیروی کنند»^{۴۷}.

الگوهای اخلاقی در قرآن کریم

قرآن کریم عنایت ویژه‌ای نسبت به معرفی الگوها نشان داده است به طوری که بعد از دستور به فضائل و کمالات معنوی، به بیان اسوه و نمونه پرداخته و در بسیاری از موارد در معرفی هر یک از صفات بارز اخلاقی، آن صفت را به همراه مصداق انسانی آن بیان کرده است. الگوها در قرآن کریم به شیوه‌های مختلفی معرفی شده‌اند. گاهی به طور مستقیم و صریح، از شخصیت‌ها و بزرگان دینی به عنوان الگو و سرمشق یادشده و انسان‌ها به تبعیت و پیروی از سیره و روش آن‌ها دعوت شده است؛ اما گاهی بدون تصریح، جلوه‌های زیبایی از



۴۳. نصرت الله پور افکاری، فرهنگ جامع روان‌شناسی روان‌پزشکی، ج ۲، ۶، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۸۶، ص ۱۴۰۶.

۴۴. احزاب: ۲۱، ممتحنه: ۴ و ۶.

۴۵. احزاب: ۲۱.

۴۶. سید محمدحسین طباطبائی، پیشین، ج ۱۶، ۵، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق، ص ۲۸۸.

۴۷. فيه وجهان: أحدهما أنه في نفسه أسوة حسنة، أي قدوة و هو الموتى، أي: المقتدى به ... و الثاني: أن فيه خصلة من حقها أن يؤتسى بها و تتبع. (محمود زمخشری، ج ۳، بیروت: دار الكتاب العربی، ۱۴۰۷ ق، ج ۳، ص ۵۳۱).

فضایل اخلاقی اسوه‌ها در معرض دید گذاشته می‌شود. به طور مختصر آیات هر دو قسم را بررسی می‌کنیم:

ارائه مستقیم الگوها

قرآن کریم در معرفی الگوها، حضرت محمد ﷺ و حضرت ابراهیم را به گونه‌ای خاص مورد توجه قرار داده است، به طوری که تعبیر اسوه حسنه را برای آن دو به کار گرفته است. تأمل در سیره این دو پیامبر الهی نشان می‌دهد که وجه امتیاز پیامبر خاتم ﷺ و حضرت ابراهیم بر سایر انبیاء این است که این دو پیامبر در تحکیم اندیشه توحیدی و مبارزه با شرک نقشی نمایان‌تر ایفا کرده و راهی دشوارتر را پیموده‌اند.^{۴۸}

تبیین ویژگی الگویی رسول اکرم ﷺ

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...^{۴۹} مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود...

در این آیه شریفه خداوند سبحان پیامبر اکرم ﷺ را به عنوان الگویی کامل و جامع و قابل پیروی معرفی می‌کند. مطالعه زندگانی رسول خدا ﷺ نشان می‌دهد که آن بزرگوار، بهترین الگو برای کسانی است که می‌خواهند در راه خدا گام بزنند و به سعادت برسند؛ آن حضرت همه صفات خوبی را که یک انسان می‌تواند داشته باشد در خود گردآورده‌اند و از این رو، برای همه انسان‌ها و در همه کمالات اخلاقی، اسوه حسنه‌اند. سیره اخلاقی رسول اکرم ﷺ عامل عمده محبوبیت او در میان امت و سبب اصلی موفقیت او در دعوت دینی بوده که در قرآن کریم به صراحت ستوده شده است: وَ إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ؛ و تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری!^{۵۰}

در تفسیر تبیان شیخ طوسی از همسر پیامبر روایت شده که: «خلق نبی اکرم ﷺ همان بود که در ده آیه اول سوره «مؤمنون» آمده است». شیخ طوسی پس از نقل این روایت می‌افزاید:

۴۸. رک: سید حسین هاشمی، «قرآن و شاخصه‌های اخلاق نبوی»، پژوهش‌های قرآنی، ش ۴۶ و ۴۷، تابستان و پاییز ۱۳۸۵، ص ۴۴.
۴۹. احزاب: ۲۱.
۵۰. قلم: ۴.

«کسی را که خداوند به خلق عظیم بستاید، بالاتر از آن، مدح و ستایشی نمی‌توان سراغ گرفت».^{۵۱}

از مهم‌ترین شاخصه‌های سیره اخلاقی رسول خدا ﷺ که در قرآن کریم ذکر شده می‌توان به تواضع و فروتنی و نرمش در برابر مردم،^{۵۲} صبر و بردباری، اخلاص در عمل،^{۵۳} رأفت و دلسوزی،^{۵۴} شرح صدر^{۵۵} و... نام برد، شاخصه‌های فوق به طور مفصل و جزئی‌تر در کتب روایی و تاریخ و مجموعه‌های گوناگون دینی ثبت شده و در اختیار ماست. به علاوه کسانی که در آن دوره، به نقل و بازگو کردن جزئیات شکلی و شمایی و اخلاقی افراد، حساس و دقیق بودند و در تاریخ، به عنوان «وصّاف» (توصیف‌گر) شناخته می‌شدند،^{۵۶} جزئیات دقیقی از همه ابعاد زندگی پیامبر ﷺ ترسیم کرده‌اند.

از مهم‌ترین ره‌آوردهای خلق عظیم نبوی تربیت و پرورش یافتن صدها انسان وارسته و پالوده از رذایل اخلاقی است که هر یک اسوه خوبی‌ها و نیکی‌های روزگاران خود بوده‌اند. همچنین می‌توان برجیده شدن بساط جنگ، نفاق، ناهنجاری‌های اجتماعی و دشمنی از جزیره‌العرب، شکل‌گیری امت واحده اسلامی بر پای‌بست برادری دینی، الفت و مهربانی،^{۵۷} که خود به تنهایی و با در نظر داشت فضای وحشی‌گری و استبدادی آن زمان، رویداد مهم و غیرقابل دستیابی با عوامل و انگیزه‌های مادی بود را از نتایج سیره اخلاقی رسول اکرم ﷺ دانست.^{۵۸}



۵۱. محمدبن حسن طوسی، پیشین، ج ۱۰، چ ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا ص ۷۵.
۵۲. فَمَا رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ ظَعْنًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ (آل عمران: ۱۵۹) و اخفض جناحك للمؤمنين (حجر: ۸۸).
۵۳. قل لا اسألكم عليه اجرا ان هو الا ذكرى للعالمين (انعام: ۹۰) قل ما سألتكم من أجر فهو لكم ان اجرى الا على الله. (سبا: ۴۷).
۵۴. فلعلك باخع نفسك على آثارهم ان لم يؤمنوا بهذا الحديث اسفا (كهف: ۶) لقد جائكم رسول من انفسكم عزيز عليه ما عنتم حريص عليكم بالمؤمنين رؤوف رحيم (توبه: ۱۲۸).
۵۵. الم نشرح لك صدرک. (انشراح: ۱).
۵۶. جواد محدثی، اخلاق نبوی آشنایی با سیره اخلاقی پیامبر اعظم، چ ۴، تهران: مشعر، ۱۳۸۶، ص ۱۳.
۵۷. واذکروا نعمة الله عليكم اذ كنتم اعداء فآلف بين قلوبكم فاصبحتم بنعمته اخواناً و كنتم على شفا حفرة من النار فانقذکم منها... (آل عمران: ۱۰۳).
۵۸. ر.ک: هاشمی، سید حسین، پیشین، ص ۶۴.

تبیین ویژگی الگویی حضرت ابراهیم علیه السلام

قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ...^{۵۹} برای شما سرمشق خوبی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند، وجود داشت ...

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ...^{۶۰} (آری) برای شما در زندگی آن‌ها اسوه حسنه (و سرمشق نیکویی) بود، برای کسانی که امید به خدا و روز قیامت دارند...

در این دو آیه به اسوه نیکو بودن ابراهیم علیه السلام و همراهان او تصریح شده است، شخصیت ابراهیم علیه السلام مورد پذیرش همه ملل است تا آنجا که اهل کتاب ابراهیم علیه السلام را منسوب به خود و خود را پیرو او می‌دانستند. این اعتقاد اهل کتاب در آیاتی از قرآن گزارش و به تعبیرهای متفاوتی نفی شده است. حنیف و مسلم بودن ابراهیم علیه السلام و عدم انتساب او به یهود و نصارا و مشرک نبودن وی در بعضی از آیات تصریح و تأکید شده است.^{۶۱} راز معرفی ابراهیم علیه السلام به عنوان الگویی نیکو از سوی قرآن به خاطر برجستگی‌های زندگی الهی او است که در قرآن فراوان به آن اشاره شده است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به اخلاص در بندگی،^{۶۲} تسلیم کامل او در برابر فرمان‌های الهی،^{۶۳} حلیم بودن،^{۶۴} توبه‌کننده^{۶۵} صدیق و راستگو بودن^{۶۶} و ... یاد کرد.

در ادامه این نکته قابل توجه است که اگرچه اسوه بودن پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و ابراهیم علیه السلام برای گروهی خاص نیست؛ لیکن بر اساس آنچه در ادامه آیه ۲۱ احزاب و ۶ ممتحنه آمده است: «لِمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ...» تنها کسانی از دو الگوی یادشده بهره‌مند می‌شوند که به خدا و روز واپسین امیدوار باشند، چنان که بهره‌مندی از هدایت قرآن کریم ویژه پروا پیشگان است^{۶۷} با اینکه قرآن کتاب هدایت همه مردم است.^{۶۸} شناخت چنین انسان‌هایی

۵۹. ممتحنه: ۴.

۶۰. ممتحنه: ۶.

۶۱. آل عمران: ۶۷ و ۶۸، بقره: ۱۲۵ و ۱۴۰.

۶۲. «... و كانوا لنا عبيدین» (انبیاء: ۷۳)

۶۳. قَلَمًا أَسْلَمًا وَ تَلَّهَ لِلْحَبِيبِ. (صافات: ۱۰۳)

۶۴. إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّهٌ حَلِيمٌ (توبه: ۱۱۴)

۶۵. إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّهٌ مُنِيبٌ. (هود: ۷۵)

۶۶. وَادَّكَرَ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صَدِيقًا نَبِيًّا. (مریم: ۴۱)

۶۷. هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ. (بقره: ۲)

۶۸. هُدًى لِّلنَّاسِ. (بقره: ۱۸۵)

و سرمشق خود قرار دادن آن‌ها در زندگی؛ از گام‌های مؤثر برای وصول به هدف آفرینش انسان یعنی تهذیب نفس و پرورش فضائل اخلاقی است.

ارائه جلوه‌های زیبا از رفتار و منش اسوه‌ها

شیوه دیگر ارائه الگو در قرآن کریم ارائه جلوه‌های زیبا از رفتار و منش اسوه‌ها است. در این شیوه بدون تصریح، رفتار الگوها در معرض دید متریبی گذاشته می‌شود؛ نمونه‌های زیادی از این شیوه در قرآن کریم ذکر شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

الگوی عفت و پاک‌دامنی

شاخص‌ترین مصداق در موضوع حیا و عفاف را که قرآن کریم به معرفی آن پرداخته و به صورت مبسوط در طول یک سوره از سوره‌های قرآن در مورد آن بحث کرده زندگی عبرت‌آموز حضرت یوسف علیه السلام است، حضرت یوسف علیه السلام در اوج جوانی هنگامی که در قصر عزیز مصر بود، همسر عزیز مصر دل‌بسته یوسف علیه السلام شده بود و از طرفی غوطه‌ور بودن در یک زندگی پرتجمل اشرافی و نداشتن هیچ‌گونه گرفتاری در زندگی داخلی و بی‌بندوباری شدید حاکم بر دربار مصر این زن را که از ایمان و تقوا نیز بهره‌ای نداشت در امواج وسوسه‌های شیطانی فرو برد، آن چنان که سرانجام تصمیم گرفت هوس شیطانی خویش را با یوسف علیه السلام در میان بگذارد و از او تقاضای کامجویی کند: **وَ رَاوَدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَ غَلَقَتْ الْأَبْوَابَ وَ قَالَتْ هَيْتَ لَكَ...^{۶۹}**

و آن زن که یوسف در خانه او بود، از او تمنای کامجویی کرد؛ درها را بست و گفت: «بیا (بسوی آنچه برای تو مهیاست!)...»

در این هنگام که همه مقدمات لغزش و گناه برای حضرت یوسف (آماده شده بود در پاسخ زلیخا به این جمله قناعت کرد و گفت: **قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ...^{۷۰}** یوسف گفت: پناه می‌برم به خدا!»

حضرت یوسف علیه السلام با این رفتار خود این واقعیت را به همه فهماند که در چنین شرایط سخت و بحرانی برای رهایی از چنگال وسوسه‌های شیطان، تنها راه نجات، پناه بردن به خداست.



۶۹. یوسف: ۲۳.

۷۰. یوسف: ۲۳.

تهدیدهای صریح همسر عزیز مصر به زندان^{۷۱} و وسوسه‌های هوس‌آلودش بحرانی شدیدی برای یوسف فراهم ساخت، طوفان مشکلات از هر سو او را احاطه کرده بود؛ اما او که از قبل خود را ساخته بود و نور ایمان و پاکی و تقوا، آرامش و سکینه خاصی در روح او ایجاد کرده بود، زندان را با همه سختی‌هایش رنج‌هایش را به جان خرید تا پاکی خود را حفظ کند، سرانجام به درگاه پروردگار خود رو آورد و درخواست خود را چنین مطرح کرد: رَبِّ السَّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِينَ؛^{۷۲} پروردگارا! زندان نزد من محبوب‌تر است از آنچه این‌ها مرا به‌سوی آن می‌خوانند! و اگر مکر و نیرنگ آن‌ها را از من باز نگردانی، به‌سوی آنان متمایل خواهم شد و از جاهلان خواهم بود!

این تعبیر از مقام عفت و عصمت حضرت یوسف علیه السلام حکایت دارد که برای دوری از گناه و حفظ پاکدامنی زندان را بر گناه ترجیح می‌دهد.

الگوی صبر و شکیبایی

«صبر» در لغت عرب به معنای حبس و در تنگنا و محدودیت قرار دادن است.^{۷۳} و در اصطلاح عبارت است از وادار نمودن نفس به انجام آنچه که عقل و شرع اقتضا می‌کنند و بازداشتن از آنچه عقل و شرع نهی می‌کنند.^{۷۴} واژه «صبر» در شکل‌های مختلف بیش از صدبار در قرآن کریم به‌کار رفته است که خودبه‌خود بیانگر اهمیت این موضوع است.^{۷۵}

در میان پیامبران الهی که هر یک ویژگی خاصی از فضایل اخلاقی را به صورت درخشان‌تر دارا بودند، حضرت ایوب علیه السلام به عنوان پیامبر صبور شناخته می‌شود. او الگوی «صبر» و مقاومت در برابر مشکلات بود، به همین دلیل حالات او در سوره «ص»، موقعی که مسلمانان در مکه تحت فشار شدید قرار داشتند؛ به عنوان یک سرمشق بزرگ نازل شد و به مسلمانان درس صبر و استقامت داد.^{۷۶}

حضرت ایوب علیه السلام در یک آزمون بزرگ، گرفتار مصائب عظیمی شد تا درجه شکرگزاری او آشکار گردد و به مقام قرب پروردگار نزدیک‌تر شود، این آزمون‌ها و امتحانات الهی از شکر

۷۱. وَلَقَدْ رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ وَلَئِنْ لَمْ يَفْعَلْ مَا آمُرُهُ لَيَسْجَنَ. (یوسف: ۳۲)

۷۲. یوسف: ۳۳.

۷۳. ر.ک: حسین بن محمد راغب اصفهانی، پیشین، ص ۴۷۴؛ محمد بن محمد مرتضی زبیدی، پیشین، ج ۷، ص ۷۰، محمد بن مکرم ابن منظور، پیشین، ج ۴، ۴۳۸.

۷۴. حسین بن محمد راغب اصفهانی، همان.

۷۵. محمد جعفر صدری، المعجم المفهرس لألفاظ القرآن کریم، تهران: مکتبه‌السهروردی للدراسات والنشر، ۱۴۳۶ ق، ص ۹۷۲ تا ۹۷۵.

۷۶. ناصر مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ج ۲، چ ۱، قم: مدرسه امام علی بن ابی‌طالب، ۱۳۷۷، ص ۴۴۵.

او نسبت به درگاه خداوند متعال نکاست. تنها کاری که کرد این بود که بعد از مدتی طولانی به پیشگاه خداوند عرض کرد: ...أَنْتَى مَسْنَى الضَّرِّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ^{۷۷}... بدحالی و مشکلات به من روی آورده؛ و تو مهربان‌ترین مهربانانی!

حضرت ایوب علیه السلام با اینکه از بیماری طولانی و جانکاهی رنج می‌برد؛ اما در مقام سؤال از پروردگار، ادب بلیغی از خویش آشکار می‌سازد و پس از بیان بیماری‌ای که به او رسیده، به گفتن «أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» اکتفا می‌کند و تقاضای خود را آمرانه از خدا نمی‌خواهد. این یک اسوه حسنه است که خداوند سبحان آن را در معرض دید همگان قرار داده و او را بنده صابر خویش خوانده است: ...إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ^{۷۸} ... ما او را شکوبا یافتیم؛ چه بنده خوبی که بسیار بازگشت‌کننده (به سوی خدا) بود!

ابن مسعود مفسر و قاری معروف می‌گوید: «حضرت ایوب علیه السلام این افتخار را برای خود در تاریخ بشریت ثبت کرد که سرسلسله صابران تا روز قیامت خواهد بود».^{۷۹}

الگوی اخلاص

یکی از اهداف اساسی تربیت اخلاقی، اخلاص در عبادت و بندگی خداوند متعال است، حقیقت اخلاص، انجام دادن عمل فقط برای خدا و به انگیزه تقرب به او است.^{۸۰} یکی از نمونه کامل رفتار مخلصان را می‌توان در سوره انسان مشاهده کرد: وَيَطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا* إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا^{۸۱}؛ و غذای (خود) را بالینکه به آن علاقه (و نیاز) دارند، به «مسکین» و «یتیم» و «اسیر» می‌دهند! (و می‌گویند): ما شما را به خاطر خدا اطعام می‌کنیم و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم.»

مفسران در شأن نزول این آیات می‌گویند امیر مؤمنان علی علیه السلام و فاطمه زهرا علیهما السلام به همراه فضه با نذر سه روز روزه، شفای حسن و حسین علیهما السلام را از خدا طلبیدند و پس از

۷۷. انبیاء: ۸۳.

۷۸. ص: ۴۴.

۷۹. قال ابن مسعود رضی الله عنه ایوب (رأس الصابرين الى يوم القيامة) (اسماعيل حقی بروسوی، تفسیر روح البیان، ج ۸، ص ۴۵).

۸۰. الإخلاص لله أن يقصد العبد بطاعته و عمله وجه الله، لا يقصد الرياء و السمعة و لا وجهاً من وجوه الدنيا (محمد بن حسن طوسی، پیشین، ج ۹، ص ۵)

۸۱. انسان: ۸ و ۹.





اندکی خواسته خود را برآورده دیدند. به شکرانه این بهبودی، هر پنج نفر لب از طعام فرو بستند و در روزگاری که گویا خشک‌سالی و قحطی سفره اهل بیت علیهم‌السلام را خالی‌تر از همیشه ساخته بود،^{۸۲} روز را به شب رساندند. هنگام افطار هنوز لقمه‌ای از گلویی آن‌ها فرو نرفته بود که مسکینی آمد و طعامی طلبید که آن‌ها غذای خود را به مسکین دادند. روز بعد یتیمی از راه رسید و روز سوم اسیری در خانه آن‌ها را زد، در این دو شب نیز غذای خود را به آن‌ها تقدیم کردند. آن‌ها هیچ چشمداشتی به پاداش مردم و حتی تقدیر و تشکر آن‌ها نداشتند و این عملشان مخلصانه و برای ذات پاک خداوند بود.^{۸۳}

الگوی ایثار

ایثار به معنای مقدم داشتن دیگری بر خود است؛^{۸۴} اما گاهی در معنایی وسیع‌تر به هرگونه ترجیح بین دو طرف گفته می‌شود. این مفهوم در اصطلاح به معنای مقدم شمردن دیگری بر خود در کسب سود و منفعتی یا پرهیز از ضرر و زیانی است که نهایت برادری و دوستی بین دو نفر را نشان می‌دهد.^{۸۵}

واژه ایثار صریحاً در قرآن کریم نیامده؛ اما هم‌خانواده‌های آن از همین باب، پنج بار در قرآن به کار رفته است.^{۸۶} مهم‌ترین آیه ایثار که به صراحت از آن یاد شده، درباره میزبانی صمیمانه انصار از مهاجران پس از مهاجرت مسلمانان مکه به مدینه است: **وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يَحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوَفِّ شَحْ نَفْسِهِ فَاُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛**^{۸۷} و برای کسانی است که در این سرا [سرزمین مدینه] و در سرای ایمان پیش از مهاجران مسکن گزیدند و کسانی را که به سویشان هجرت کنند دوست می‌دارند و در دل خود نیازی

۸۲. رَوَى أَنَّ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ مَرْضًا فَتَذَرَّ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عَ صِيَامَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فَلَمَّا عَاقَبَهُمَا اللَّهُ وَ كَانَ الزَّمَانُ قَحْطًا. (محمدباقر بن محمدتقی مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲۵، ص ۲۴۳).

۸۳. قد روی الخاص و العام أن الآيات من هذه السورة و هي قوله «إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ» إلى قوله «وَكَانَ سَعْيَكُمْ مَشْكُورًا» نزلت في علي (و فاطمة) و الحسن و الحسين (و جارية لهم تسمى فضة و هو المروى عن ابن عباس و مجاهد و أبي صالح. (فضل بن حسن طبرسی، مجمع البيان في تفسير القرآن، ج ۱۰، ص ۳، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش، ص ۶۱۱؛ قمی، علی بن ابراهیم تفسیر القمی، ج ۲، ص ۳۹۸؛ سیدمحمود آلوسی، ج ۱۵، ص ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق، ص ۱۷۴؛ محمود زمخشری، الکشاف، ج ۴، ص ۳، بیروت: دار الکتاب العربی، ۱۴۰۷ ق، ص ۶۷۰).

۸۴. وَأَثَرَتْ فَلَانَا عَلَى نَفْسِي، من الإيثار. (اسماعيل بن حماد جوهری، پیشین، ج ۲، ص ۵۷۵).
۸۵. الإيثار أن يقدم غيره على نفسه في النفع له و الدفع عنه و هو النهاية في الاخوة. (علی بن محمد جرجانی، التعریفات، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۰، ص ۱۸).

۸۶. یوسف ۹۱، طه: ۷۲، حشر: ۹، نازعات: ۳۸، اعلی: ۱۶.

۸۷. حشر: ۹.

به آنچه به مهاجران داده شده احساس نمی‌کنند و آن‌ها را بر خود مقدّم می‌دارند هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند؛ کسانی که از بخل و حرص نفس خویش باز داشته شده‌اند رستگاراند.

در این آیه از خصلت مهمان‌دوستی و جود و بخشش خالصانه مسلمانان مدینه نسبت به مهاجران مکه یادشده و ایثار آنان به رغم نیاز شدید خویش ستایش شده است.

نمونه دیگر از ایثار در سوره انسان است که به بعد اخلاص آن اشاره شد. امیرمؤمنان علی علیه السلام و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و فرزندان‌شان با اینکه شدیداً به غذا نیاز داشتند؛^{۸۸} اما یتیم و مسکین و اسیر را بر خود مقدم داشتند^{۸۹} همچنین حضرت علی علیه السلام در شب تاریخی هجرت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به سوی مدینه، در بستر آن حضرت خوابید، قرآن کریم این ایثار جانی را با وصف تجارتی با خداوند که بهای آن کسب رضایت الهی است یاد کرده: وَمَنْ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاةِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ^{۹۰} بعضی از مردم (با ایمان و فداکار، همچون علی) در «لایله المبیّت» به هنگام خفتن در جایگاه پیغمبر صلی الله علیه و آله، جان خود را به خاطر خشنودی خدا می‌فروشدند؛ و خداوند نسبت به بندگان مهربان است.

مفسران شیعه و سنی این آیه را مربوط به رخداد مهاجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از مکه به مدینه در شب موسوم به لایله المبیّت می‌دانند^{۹۱} که علی علیه السلام برای حفظ جان پیامبر صلی الله علیه و آله در بستر وی خوابید و آن حضرت شبانه مکه را ترک گفت و بدین ترتیب امیر مؤمنان علی علیه السلام در اوج ایثار و فداکاری خطر مرگ را برای یاری دین اسلام به جان خرید.

نتیجه

از مجموع آنچه بررسی شد به دست می‌آید که قرآن کریم، به‌عنوان مهم‌ترین منبع تربیت دینی، عنایت ویژه‌ای نسبت به معرفی الگوها نشان داده است؛ به‌طوری‌که بعد از دستور به فضائل و کمالات معنوی، به بیان اسوه و نمونه پرداخته و در بسیاری از موارد در معرفی هر یک از صفات بارز اخلاقی، آن صفت را به همراه مصداق انسانی آن بیان کرده است. این اهتمام قرآن بیانگر نقش مهم الگوها در تربیت اخلاقی است؛ بنابراین یکی از مهم‌ترین

۸۸. وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ (انسان: ۸)

۸۹. وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا (انسان: ۸)

۹۰. بقره: ۲۰۷.

۹۱. فضل بن حسن طبرسی، پیشین، ج ۲، ص ۵۳۵؛ عبیدالله بن احمد حسکانی، شواهدالتنزیل لقواعد التفضیل، ج ۱، ص ۱۲۳؛ محمد بن عمر فخر رازی، مفاتیح الغیب، ج ۵، ص ۳۵۰.



روش‌های پرورش فضایل اخلاقی در متربیان، معرفی الگوهای پسندیده‌ای است که قرآن
کریم معرفی نموده است.



شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۳



منابع:

۱. قرآن کریم
۲. آلپورت دبلیو گوردن و جونز ادوارد ای، روان‌شناسی اجتماعی از آغاز تاکنون، ترجمه محمدتقی منشی طوسی، ص ۶۱.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، چ ۳، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
۴. آلن بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، چ ۳، تهران: کیهان، ۱۳۷۵.
۵. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، چ ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۶. پورافکاری، نصرت الله، فرهنگ جامع روان‌شناسی - روان‌پزشکی، چ ۶، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۸۶، سید
۷. جرجانی، علی بن محمد، التعریفات، تهران، ناصر خسرو: ۱۳۷۰.
۸. جواد محدثی، اخلاق نبوی آشنایی با سیره اخلاقی پیامبر اعظم، ص ۱۳.
۹. جوهری، اسماعیل بن حماد، تاج اللغة و صحاح العربیة، چ ۱، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۴۱۰ ق.
۱۰. جوهری، اسماعیل بن حماد، تاج اللغة و صحاح العربیة، چ ۱، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۴۱۰ ق.
۱۱. حسکانی، عبید الله بن احمد، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، چ ۱، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۱۲. حسین‌خانی، هادی، تربیت الگویی زنان در قرآن، چ ۱، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما، ۱۳۸۲.
۱۳. حسینی نسب، سید داود، اصغر اقدم، علی، فرهنگ واژه‌ها، تعاریف و اصطلاحات تعلیم و تربیت، تبریز: احوار، ۱۳۷۵.
۱۴. داودی، محمد، سیره تربیتی پیامبر (و اهل بیت (تربیت اخلاقی))، چ ۳، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، سید حسین هاشمی، «قرآن و شاخصه‌های اخلاق نبوی»، پژوهش‌های قرآنی، ش ۴۶ و ۴۷، تابستان و پاییز
۱۵. دبلیو گوردن، آلپورت و جونز ادوارد ای، روان‌شناسی اجتماعی از آغاز تاکنون، ترجمه محمدتقی منشی طوسی، مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱.
۱۶. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، چ ۲، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، چ ۱، بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲ ق.
۱۸. زبیدی، محمد بن محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، چ ۱، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۴.
۱۹. زمخشری، محمود بن عمر الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، چ ۳، بیروت: دار الکتاب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۲۰. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، چ ۳، بیروت: دار الکتاب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۲۱. ساروخانی، باقر، دائرةالمعارف علوم اجتماعی، تهران: کیهان، ۱۳۷۵.
۲۲. سیف، علی‌اکبر، روانشناسی پرورشی نوین، چ ۱۱، ویرایش ۶، تهران: دوران، ۱۳۹۰.
۲۳. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چ ۵، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.
۲۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چ ۳، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۲۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چ ۳، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، چ ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.



۲۷. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، چ ۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۲۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، چ ۲، قم: هجرت، ۱۴۱۰ ق.
۲۹. فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحیط، چ ۱، بیروت: دار الکتب العلمیة بی‌تا.
۳۰. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، چ ۲، قم: موسسه دار الهجرة، بی‌تا.
۳۱. قائمی‌مقدم، محمدرضا، روش‌های تربیتی در قرآن، ج ۱، چ ۱، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱.
۳۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، چ ۳، قم: دار الکتب چاپ، ۱۴۰۴ ق.
۳۳. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، چ ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۳۴. محمدرضا قائمی مقدم، «روش‌الگوی در تربیت اسلامی»، معرفت، ش ۶۹، شهریور ۱۳۸۲، ص ۲۶.
۳۵. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، چ ۳، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۳۰ ق.

